



koorosh.madarrei@gmail.com

بحران هسته ای یا بحران به بهانه هسته ای (۴)

۸- مبنای یک سیاست کمونیستی در قبال این جنگ
مماشات با آن نگاه نمیدارد. رویدادهای جامعه تنها شرایط فعالیت ما را تغییر میدهند.
آتش فشان کند، یا زمین لرزه شود و یا هر چیز دیگری تنها شرایط فعالیت ما تغییر میکند نه خود این فعالیت و هدفی که تعقیب میکنیم. رویدادها و تحولات اجتماعی یا فعالیت ما را مشکل تر میکنند و یا این فعالیت را ساده تر مینمایند.

مبنای سیاست عملی ما در هر حال فعالیت بسیار اکتیو، نقشه مند برای تصرف قدرت سیاسی و سازماندهی انقلاب سوسیالیستی است. این هدف مستلزم قدرتمند شدن، متحد کردن مردم و تغییر تناسب قوا به نفع طبقه کارگر و انقلاب سوسیالیستی و بطور اخص موقعیت حزب است. این سیاست ما، بعنوان یک حزب سیاسی، و نه یک گروه همیاری اجتماعی،

در متن حمله عراق به ایران در سال ۵۹، حمله آینده آمریکا به ایران، زلزله بم، زلزله خوزستان، اول مه ها، اعتراضات مختلف و غیره بوده و هست.
حمله آمریکا به ایران شرایط فعالیت ما، و همینطور زندگی مردم، را بسیار پیچیده و مشکل تر میکند. پاشیدن بنیادهای زندگی مدنی، دامن گرفتن استیصال در میان مردم، عروج ناسیونالیسم و میهن پرستی و دیگر نتایج این جنگ مستقیماً به ضرر مردم؛ به

ضرر ما و به نفع ناسیونالیست های مختلف، جمهوری اسلامی و دارو دسته های گانگستر سیاسی است.

اما در هر حال این شرایط کار ماست. هنر یک حزب کمونیستی و یک جریان لنینیست و یا حکمتیست این است که بر متن

پیچیده ترین و دشوار ترین شرایط اولاً هدف خود را گم نکند و ثانیاً خلاقانه ترین ابتکارات و تاکتیک ها را برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تصرف قدرت سیاسی را بکار گیرد. اگر تر "تحلیل مشخص از شرایط مشخص" معنایی داشته باشد این معنی است. تاکتیک "مشخص" برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تصرف قدرت سیاسی در شرایط "مشخص". حمله آمریکا به ایران هم درست همین نقش را دارد. ما باید در ایران در متن این جنگ یک سیاست تبلیغی و مهمتر از آن یک سیاست عملی بسیار فعال و میلیتانت علیه جمهوری اسلامی را تعقیب کنیم. دامن زدن به جنبش ضد جنگ در ایران اگر بر متن سیاست عمومی سرنگونی جمهوری اسلامی و کوتاه کردن دست آن از زندگی مردم، و تغییر تناسب قوا به نفع جنبش ما نباشد، عملی همراهی با سیاست ناسیونالیسم راست و دولت آمریکا خواهد بود.

فعالیت ما در ایران یک



کارگران جهان متحد شوید!

زنده باد اول ماه مه!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
www.hekmatist.com

گارد آزادی راهی برای نجات

صفحه ۴

پیروزی کارگران فرانسه بر دولت شیراک را جشن میگیریم!

صفحه ۴

به استقبال اول مه روز جهانی کارگر برویم!

اطلاعیه پایانی پلنوم هیجدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق

صفحه ۳

جمعه ما منتشر میشود



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-Communist Party of Iran - Hekmatist

۲۵ فروردین ۱۳۸۵ - ۱۴ آوریل ۲۰۰۶

سردیر این شماره: اعظم کم گوین

www.hekmatist.com

ندایی شایسته گرمترین حمایت

درباره بیانیه ضدجنگ فعالین دانشجویی



fateh_sh@yahoo.com

فاتح شیخ

تحلیل و تبیین بیانیه از بحران جاری هر چه باشد، مساله و نقطه عزیمت آن دفاع از زندگی و حقوق و خواستههای اساسی مردم در برابر "جنگ طلبان داخلی و جنگ افروزان خارجی" و نقد و افشای دو طرف بحران خطرناکی است که جامعه و مردم ایران را در سراشیب ورود به گرداب یک جنگ جدید انداخته است. از نظر نویسندگان و نادهندگان بیانیه "ارزی هسته ای تنها یک بهانه و ابزار برای جنگ منافع است". آنها با اشاره به پیامدهای جنگهای امپریالیستی آمریکا در نقاط مختلف دنیا و همچنین با یادآوری تجارب یوگسلاوی، عراق و افغانستان، در عین مخالفت قاطع با حمله خارجی و محاصره اقتصادی توسط آمریکا و متحدانش علیه ایران، به روشنی اعلام کرده اند که: "این دعوا، دعوی مردم ایران نیست"، "مردم در این میان نباید سرباز جان بر کف و پادوی هیچ کدام از طرفین باشند. مردم باید زمانی به میدان بیایند که جنگ بر سر منافع و آرمانهایشان باشد."

ندای فعالین دانشجویی، که نقطه رجوع خود را "انسان، عدالت و حقیقت" اعلام کرده اند، هشدار جدی درباره "خطری جدی و مهلک" است که دارد بر فضای جامعه استبدادزده سایه میافکند: "خطر جنگ، خطر تحریم، خطر کشته شدن تعداد زیادی از مردم کشورمان، خطر گرسنگی، بی دارویی و مرگ نوزادان و کودکان، خطر قربانی شدن هزاران نفر از مردمی که در زیر تبلیغات سنگین دروغین دو طرف متخاصم به درستی نمی دانند به چه دلیل قربانی یک جنگ جدید هستند."

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

رکن دارد سرنگونی جمهوری اسلامی و انقلاب سوسیالیستی. همین هر تاکتیک و اقدامی باید بر این متن معنی درست بدهد.

همانطور که هدف بلاواسطه احزاب کمیونست و آزادیخواه در خارج از ایران با چنین حزبی در ایران متفاوت است، نقش و وظیفه ای که مردم در ایران و در خارج از ایران دارند هم متفاوت است. در خارج کشور هدف مملعت از حمله آمریکا به ایران، تعرض به دولت های اروپایی و آمریکاست. در ایران هدف اصلی جمهوری اسلامی است.

تشخیص این دو موقعیت مهم است. ناتوانی در تشخیص این واقعیت آزادیخواهان و طبقه کارگر اروپا را به همراهی با دولت های خودی در مقابل جمهوری اسلامی و در ایران به همراهی با دولت خودی در مقابل خطر خارجی میکشاند. در جنگ ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ آمریکا علیه عراق، این وضعیت چپ عراق و جنبش ضد جنگ را دچار اغتشاشی عمیق سیاسی کرد.

برای مردم در ایران لولای دخالت در این اوضاع سرنگونی جمهوری اسلامی است و برای مردم در خارج از ایران محمل دخالت جلوگیری از حمله آمریکا به ایران و سرنگونی دولت های خودشان است. در ایران مردم کنترل بر سیاست آمریکا ندارند و در خارج مردم کنترل بر سیاست و کنترول بر این توانایی ها و ناتوانی ها را به رسمیت بشناسد. تبدیل کردن آمریکا به مسئله اصلی در ایران و یا تبدیل جمهوری اسلامی به محور در خارج از ایران بازی در میدان ناسیونالیست ها و آمریکا از و یا بازی در میدان جمهوری اسلامی است و در هر حال مردم را از مکان دخالت محروم میکند.

به تبع این واقعیت نقش ما در خارج کشور و در داخل کشور هم متفاوت است و سیاست ما در این دو جغرافیای سیاسی فرق میکند.

سیاست های راست و نیمه راست مستقیم یا غیر مستقیم جنگ یا فشار آمریکا را به نفع خود میداند. گفتم اینها هیچکدام امروز و در متن شرایط کنونی جرات طرفداری از جنگ را ندارند در نتیجه به سنگر مخالف با حمله آمریکا به ایران و توافق با فشار سیاسی به جمهوری اسلامی، در متن این اوضاع، هستند. این پرچم همه اردوی ناسیونالیسم مدرنیست طرفدار غرب، از جریان سلطنت طلب تا رهبری جدید حزب کمیونست کارگری است. اینها جنگ طلب های خجول اند.

مسئله جمهوری اسلامی را تنها مردم ایران باید حل کنند. تناقض پایه ای منافع مردم و بخصوص طبقه کارگر با هر نوع دخالت نظامی و سیاسی آمریکا در این اوضاع جهانی را باید وسیعاً افشا کرد. باید یک جبهه محکم سیاسی علیه جنگ طلبی، گردنه بگیری آمریکا و برای دفاع از مردم را بوجود آورد. نمونه برخورد درست به این مسئله را باید در سیاست ما در جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱ و رویدادهای بعدی آن در کردستان عراق است که خوانندگان را به مطالعه اسناد آن

دعوت میکنم.

ب - لنگر و قطب نما در سیاست کمیونستی

مبنای جهت گیری ما در این نزاع تعیین تضاد اصلی یا فرعی، تعیین امپریالیست و ضد امپریالیست، تقابل ترقی خواهی و ارتجاع، استقلال و تمامیت ارضی ایران، یا نفس سرنگونی جمهوری اسلامی به هر شکل (مثلاً به کمک آمریکا)، دفاع از عرق ملی در دست یابی به تکنولوژی هسته ای، میهن پرستی و یا جنبداری از این یا آن طرف حقوقی قضیه و موضوعاتی از این دست نیست.

با بعنوان یک حزب کمیونست و انتزاعیونالیست، بعنوان بخشی از جنبش طبقه کارگر اهداف اجتماعی و سیاسی معلومی داریم. اینجا زندگی و آینده توده های وسیع مردم زحمتکش دارد رقم زده میشود. اینجا دارد سرزوش طبقه کارگر و مردمی که در حال راست کردن کمر در زیر بار جمهوری اسلامی و سرنگون کردن آن برای ایجاد یک دنیای بهتر هستند، تعیین میشود. دارد در مورد سرزوش میلیونها انسان و چندین نسل از مردم این جامعه تعیین تکلیف میشود.

دنیای معاصر دارد از این طریق قالب خود را برای یک دوره معلوم میکند و دنیایی که تنها دولت ها و جوامع موجود نیستند که باید در آن زندگی کنند بلکه بعلاوه جامعه و دولت سوسیالیستی ما در متن آن زاده میشود و باید بتواند به حیات خود ادامه دهد. ما در همه اینها ذی نفع هستیم. قطب نمای ما در این مورد، مثل همه موارد دیگر این منافع بسیار روشن و کنکرت است.

حمله نظامی به ایران یا محاصره اقتصادی آن مستقیماً حمله به مردم ایران و حمله به این منافع است. چنین حمله ای نه تنها بنیاد های تباهی فیزیکی و اجتماعی وسیعی را به مردم ایران تحمیل میکند، بلکه بهترین خدمت به بقای رژیم جمهوری اسلامی در مقابل مردم ایران است. آمریکا میروند تا در پی منافع امپریالیستی ویژه ای یک جنگ خونبار را به مردم منطقه و بویژه به مردم ایران تحمیل کند. ما این جنگ طلبی و این گردنه بگیری روز روشن را محکوم میکنیم. مسئله هر چه که باشد، امروز این منافع و فقط این منافع آمریکا است که دنیا را با کلبوس یک ترازدی انسانی دیگر، در ابعادی حتی وسیع تر از آنچه آمریکا تاکنون به دنیا تحمیل کرده، روبرو ساخته است. این سیاست ادامه سیاست اشغال عراق و قرق کردن خلیج فارس و دریای سرخ را بعنوان آشکار ترین نوع قدرت نمایی امپریالیستی است و ما آن را محکوم میکنیم. اینها اول نیروی شان را می آورند مملکت ها را اشغال میکنند، مردم را از خاک سیاه می نشانند و بعد اجازه اش را از سازمان ملل شان میگیرند. دنیا ژئاندارم نمیخواهد باید جلوی این ایستاد.

امروز آن واقعیتی که هر کس باید در قبال آن موضع بگیرد، موافقت یا مخالفت با دست یابی جمهوری اسلامی به تکنولوژی هسته ای

نیست. مساله اصلی دور نمایی است که آمریکا برای تامین هژمونی بین المللی در برابر خود میبیند و حاضر است به این منظور میلیونها نفر را در جنگی که زندگی چند نسل را تباہ خواهد ساخت قربانی کند. پرده پوشی این واقعیت و خم شدن روی مساله هسته ای تسلیم به این دور نمای امپریالیستی و تبدیل شدن به مهره ای در جنگ تبلیغاتی آمریکا است.

برای توده مردمی که زندگی و هستی شان دارد در این میان به بازی گرفته میشود فقط یک سیر مطلوب وجود دارد. باید به هر قیمت از جنگی که در شرف وقوع است جلوگیری شود. باید دولت آمریکا و متفکینش از راه انداختن این کشتار منصرف شوند. هیچیک از مسائل مطرحه در این بحران نمیتواند توجیهی برای این فاجعه باشد.

پ - قرار داد منع گسترش سلاح های هسته ای و حمله آمریکا به ایران

ما عدم رعایت قرارداد منع گسترش سلاح های هسته ای از طرف هیچ کس را محکوم نمی کنیم. ما نه مدافع این قرار داد هستیم و نه پای آن امضاء گذاشته ایم و بطور دائم خود را در تناقض با کلوب صاحبان کنونی سلاح هسته ای و باج بگیری و گردنه بگیری آنها می یابیم. حقوق بین المللی موجود اساساً برای تنظیم مناسبات دولتهای سرمایه داری وضع شده و اجرا و یا نقض آنها تمجید و یا تقیبی از جانب ما ایجاد نمیکند. عدم دسترسی هر کشوری به سلاح هسته ای، در حالی که داشتن این سلاح ها برای همه دولت ها ممنوع نشده و دول کارنده این سلاح ها و بویژه آمریکا در حال توسعه، گسترش و مهلک تر کردن آنها است، از نظر ما قدوسیتی ندارد. تفکیک حق داشتن و نداشتن چنین سلاح هائی به دوستان و غیر دوستان آمریکا برای ما مبنای تشخیص حق نیست. نمیشود با سه استاندارد سراغ دنیا رفت.

۹ - وظایف ما

بر متن همه آنچه که گفته شد، در ایران همزمان دو سوال در مقابل ما قرار میگیرد. اول اینکه به چه شیوه میتوان از جنبش سرنگونی در مقابل این تعرض مستقیم دفاع کرد و دوم، این اوضاع سیاسی چگونه باید به تحکیم و رشد حزب، به عنوان محل اتحاد و همستگی سیاسی کارگر، و مردم علی العموم، و نزدیک کردن آن به قدرت سیاسی کمک کند.

باید مجدداً تاکید کنیم که محورهای فعالیت ما همان است که در بحث انقلاب ایران و وظایف کمیونست ها مورد تاکید قرار گرفت است. به این معنی که محور هائی که در آن نوشته مطرح کردیم باید امروز در متن اوضاع جدید و بخصوص اگر جنگ در بگیرد، به دست گرفته شود.

در آن بحث گفتیم که محور های حیاتی برای فعالیت کمیونست ها در این دوره عبارتند از:

۱ - گرایشات و جریاناتی که در برخورد به خطر جنگ و یا متعاقب آن در صورت وقوع جنگ، پرولتاریا و مردم را به حمایت از رژیم جمهوری اسلامی، حمایت از جناحی از آن و یا هر نوع مماشات با آن دعوت میکنند، افشای مضمون پوچ، ارتجاعی و ریاکارانه سیاست ها و شعار های میهن پرستانه و ناسیونالیستی جمهوری اسلامی و جریانات ناسیونالیستی.

۲ - جریاناتی که صرفاً مبارزه با رژیم کنونی را تبلیغ میکنند. جریاناتی که در هوبت آنها تنها قصد رژیم است و با سرنگونی طلبی ناسیونالیسم طرفدار غرب به کمک آمریکا یا با ویران کردن کل بنیاد های زندگی مدنی در ایران مرزی ندارند. جریاناتی که سیاست های امپریالیستی و نظم نوینی که پشت جنگ است را نادیده میگیرند، این جنگ را به نوعی مثبت، داری خیر برای جنبش خود ارزیابی میکنند، و عملاً از آمریکا طرفداری میکنند و یا با آن سیاست مماشات جویله ای دارند.

۳ - جریاناتی که از سر استیصال سیاسی چشم به فسرخ آمریکا دوخته اند و عملاً سیاست انتظار در تبلیغ میکنند.

۴ - جریاناتی که بی تفاوتی و یا پاسیفیسم را در برخورد با این جنگ را، با این بهانه که این جنگ به

۱ - تهییج و سازماندهی طبقه کارگر و مردم انقلابی علیه میلیتاریزه کردن فضای جامعه توسط جمهوری اسلامی، نظمی کردن فضای کارخانه ها و محل های کار، محلات و شهرها و روستا ها، مدارس و دانشگاه ها و سرکوب آزادی های سیاسی و اجبار به کار تحت شرایط و شرایطی و سازماندهی شرایط فعلی، تهییج و سازماندهی دفاع از آزادی های دموکراتیک به عنوان زمینه ضروری بسیج توده ای علیه جمهوری اسلامی.

۲ - کنترل محلات - قدرتمند کردن مردم بخصوص در صورت عروج فضای جنگی و شروع جنگ، تبلیغ و تلاش برای ایجاد کمیته ها و نهاد های دفاع از خود در بمباران و در مقابل رژیم، برای امداد رسانی، خارج کردن کنترل از دست رژیم و نهاد های آن و استقرار نهاد های حزبی و غیر حزبی بعنوان انترناتیو نهاد های رژیم، مساجد، کتابخانه های علمی، ارگانهای دولتی، به نفع مردم، اعلام مفاد منشور سرنگونی به عنوان قانون حاکم.

۳ - تهییج در مورد تسلیح مستقل مردم و لزوم مسلح بودن دلمی مردم و سازمانهای انقلابی به گرد واحد های گارد آزادی. تسریع در ایجاد واحد های گارد آزادی در کردستان و در خارج از کردستان، تهییج مردم در مورد اهمیت پیوستن به واحد های گارد آزادی و در آوردن تدریجی یا فوری کنترل کارخانه، محله، دانشگاه و مدرسه از دست جمهوری اسلامی. تهییج در مورد ضرورت تصرف پادگان ها، انبارهای اسلحه و مراکز نیروهای رژیم برای تامین اسلحه مورد نیاز. اجرای این سیاست در عمل. سازمان و واحد های گارد آزادی در این زمینه نقش تعیین کننده دارند.

۴ - تشکیل سریع هسته های انقلابی یا واحد های گارد آزادی در ارتش و نیروهای مسلح رژیم با این

پرولتاریا مربوط نیست، تبلیغ مینمایند،

ب - سیاست فعال در قبال جمهوری اسلامی

باید متوجه بود که سرزوش تحولات سیاسی ایران را تنها حجم تبلیغات و تعداد ساعات برنامه تلویزیون ما تعیین نمیکند. دار تاریخ هیچ گزیننده خوش صحبت رادیویی یا تلویزیونی انقلاب نکرده است. سرزوش جامعه را بیش از هر چیز قدرت ما، قدرت مردم متشکل و متحد شده به دور سیاست کمیونستی ما، تعیین میکند.

همانطور که اشاره شد اوضاع جنگی، بخصوص شروع جنگ، شرایط فعالیت ما را تغییر میدهد. سیاست ما نه بر مبنای ترساندن مردم، بلکه بر مبنای تلاش برای آگاه کردن، متحد کردن و متشکل کردن آنها روی زمین سفت است. در این راستا کل فعالیت عملی ما باید معطوف به خنثی کردن جمهوری اسلامی، تغییر تناسب قوا به نفع جنبش و حزب ما و در آوردن قدرت از دست جمهوری اسلامی و جریانات ارتجاعی باشد. بر این اساس وظایف زیر بر جسته میشوند:

۱ - تهییج و سازماندهی طبقه کارگر و مردم انقلابی علیه میلیتاریزه کردن فضای جامعه توسط جمهوری اسلامی، نظمی کردن فضای کارخانه ها و محل های کار، محلات و شهرها و روستا ها، مدارس و دانشگاه ها و سرکوب آزادی های سیاسی و اجبار به کار تحت شرایط و شرایطی و سازماندهی شرایط فعلی، تهییج و سازماندهی دفاع از آزادی های دموکراتیک به عنوان زمینه ضروری بسیج توده ای علیه جمهوری اسلامی.

۲ - کنترل محلات - قدرتمند کردن مردم بخصوص در صورت عروج فضای جنگی و شروع جنگ، تبلیغ و تلاش برای ایجاد کمیته ها و نهاد های دفاع از خود در بمباران و در مقابل رژیم، برای امداد رسانی، خارج کردن کنترل از دست رژیم و نهاد های آن و استقرار نهاد های حزبی و غیر حزبی بعنوان انترناتیو نهاد های رژیم، مساجد، کتابخانه های علمی، ارگانهای دولتی، به نفع مردم، اعلام مفاد منشور سرنگونی به عنوان قانون حاکم.

۳ - تهییج در مورد تسلیح مستقل مردم و لزوم مسلح بودن دلمی مردم و سازمانهای انقلابی به گرد واحد های گارد آزادی. تسریع در ایجاد واحد های گارد آزادی در کردستان و در خارج از کردستان، تهییج مردم در مورد اهمیت پیوستن به واحد های گارد آزادی و در آوردن تدریجی یا فوری کنترل کارخانه، محله، دانشگاه و مدرسه از دست جمهوری اسلامی. تهییج در مورد ضرورت تصرف پادگان ها، انبارهای اسلحه و مراکز نیروهای رژیم برای تامین اسلحه مورد نیاز. اجرای این سیاست در عمل. سازمان و واحد های گارد آزادی در این زمینه نقش تعیین کننده دارند.

۴ - تشکیل سریع هسته های انقلابی یا واحد های گارد آزادی در ارتش و نیروهای مسلح رژیم با این

این اعتراض مردم را به ریز پرچم خود بکشاند باید به اسلام سیاسی اشاره کرد. این جریان تلاش میکند تا با دادن رنگ اسلامی و قومی به این اعتراضات از اسلام سیاسی و با مماشات با این ارتجاع را توجیه نمایند.

الودگی اسلامی این اعتراض لطمه مستقیم به اعتراض مردم علیه جنگ افروزی آمریکا، کمک با اشاعه و یا آبرو پیدا کردن یکی از سپاه ترین جریانات ارتجاعی در تاریخ بشر، یعنی اسلام سیاسی، و علیه اعتراض، آزادخواهانه مردم ایران است.

بعلاوه هر درجه رنگ اسلامی در این اعتراضات بخش وسیعی از مردم، که به حق از اسلام سیاسی نفرت دارند، را از صحنه اعتراض دور میکند و به خانه میفرستد و مستقیماً به نفع سیاست آمریکا تمام میشود.

ما در مقابل این سلامی کردن اعتراض مقاومت و مقابله خواهیم کرد. از این رو سیاست حزب ما در خارج کشور بر این اساس قرار دارد:

۱ - حزب ما در خارج کشور تلاش میکند تا در کنار نیروهای هر کشور وسیعترین اعتراضات توده ای علیه جنگ افروزی آمریکا را سازمان دهد.

۲ - حقایق و سیاست های پشت این جنگ افروزی را برای همگان توضیح دهد

۳ - حمایت و سمپاتی مردم دنیا را به مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و برای نجات از چنگال اسلام سیاسی را جلب نماید.

۴ - شعارهای ما از جمله «له به جنگ افروزی آمریکا» و «لا دست دولت آمریکا از زندگی مردم دنیا کوتاه!» خواهد بود.

۵ - ما تمام تلاش خود را برای جلب توده هر چه وسیعتری به چنین تظاهرات هائی انجام خواهیم داد

۶ - در همان حال ما مخالف تظاهرات هائی هستیم که پلافرم آن به اسلام سیاسی آوانس میدهد. ما در راه اندازی، سازماندهی و فراخوان چنین تظاهرات هائی شرکت نمیکیم. ما مردم را به شرکت در چنین تظاهرات هائی دعوت نمی کنیم.

ما بسته به موقعیت، ممکن است در هر اجتماع و تظاهراتی که در این زمینه تشکیل شود شرکت کنیم، که در این صورت هدف و سیاست ما همان بند های ۳، ۴ و ۵ فوق است.

ت - وظایف و اولویت های سازمانی حزب

این وظایف با توجه به جنبه امنیتی آنها تنها در اختیار نهاد ها و کمیته های ذریبط حزبی قرار خواهد گرفت.

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید!

کیم و سهمی، حتی مهم، ایفا کنیم. اما گذاشتن وظیفه بسیج مردم انگلیس بر عهده تشکیلات بریتانیای حزب ما غیر واقعی و خود فریبانه است. این کار وظیفه کمونیسیت ها و آزادیخواهان این کشورها و وظیفه طبقه کارگر آن است.

ما در خارج سیاست تبلیغی عمومی خود را تعقیب میکنیم. اما به عنوان یک پایه سیاست انترناسیونالیستی و فعال خواستار به میدان آمدن طبقه کارگر، ممانعت از جنگ و در صورت شروع جنگ فلج کردن دولت خودی و سرنگونی آن هستیم.

تنها با سازمان دادن تظاهرات علیه جنگ، با همه اهمیت و ضرورت آن، نمیتوان مانع از جنگ شد. قدرت ما، قدرت طبقه ما، اساساً در متوقف کردن چرخ جامعه است. تجربه عراق این را نشان میدهد. باید بورژوازی را فلج کرد و این کار مردم و قبل از هر کس طبقه کارگر اروپا و آمریکا نیست. در نتیجه باید در پروسه ایجاد کمیته های کمونیسیتی در داخل کشور تعجیل کرد.

۵ - ایجاد آمادگی برای دفاع در قبال اشغال هر منطقه توسط آمریکا، نیروهای ایستاده به آن و یا جریاناتی که میخواهند خود را به مردم تحمیل کنند.

۶ - بدون وجود سازمان حزب در روی زمین سفت در داخل و بدون وجود مراکز رهبری کمونیسیتی انجام این فعل و انفعال در جامع ممکن نیست. در نتیجه باید در پروسه ایجاد کمیته های کمونیسیتی در داخل کشور تعجیل کرد.

۷ - ما باید تضمین کنیم که در هر تاطلمی چه در نتیجه تحریکات سیاسی آمریکا و چه اقدام نظامی آن میوتونیم مردم کردستان در شهرهای اصلی را، همانطور که در برنامه عمل ما آمده است، قادر به دفاع از خود کنیم. ما باید در مقابل ناسیونالیست ها که از مرز سرازیر خواهند شد، از داخل شهر ها بجوشیم. کردستان یکی از نقاط بسیار مهم در قدرت کمونیسیت ها است. این قدرت را تنها ما میوتونیم تامین کنیم. باید تضمین کنیم که کردستان را به سنگر کمونیسیم و آزادی خواهی تبدیل میکنیم.

۸ - ایجاد کمیته های کمونیسیتی کارخانه، بسیج و متشکل کردن کارگران علیه بیکاری، فلاکت و به میدان کشیدن کارگران مراکز کلیدی (تفت و غیره) به عنوان یک اهرم تعیین کننده در تعیین تکلیف اوضاع

۹ - با هر درجه میلیتاریزه شدن فضا، بی گمان رژیم برای نجات خود از دست مردم به ارتعاب و تعرض وسیع تر به آزادی های سیاسی، دستگیری و حتی اعدام و سر به نیست کردن رهبران کارگری، کمونیسیتی و فعالین سیاسی خواهد زد. ما باید در این دوره خطیر مانع از دسترسی رژیم به این فعالین و رهبران شویم. باید نسبت به مسئله امنیت این فعالین و رهبران، هم حزب و هم خود شبکه های کارگری و کمونیسیتی را در یک آماده باش کامل نگاه داریم. امروز، روز تن دادن ساده به زندان جمهوری اسلامی نیست. هوشیاری دائم، غیر قابل دسترس بودن این فعالین و رهبران برای جمهوری اسلامی و قابلیت ما در دادن حفاظت موقت یا طولانی به آنها شرط اساسی خروج سالم آنها از این اوضاع است.

سیاست عملی ما در قبال تظاهرات های ضد جنگ در خارج کشور قبلاً در نشریه کمونیسیت منتشر شده است. که رؤس آن را اینجا مجدداً درج میکنیم:

برای مقابله با خطر حمله آمریکا به ایران باید توده هر چه وسیعتری از انسان های شرافتمند و آزادیخواه را در خارج کشور حول خواست ساده نه به جنگ افروزی آمریکا گرد آورد. اضافه کردن هر تبصره ای به این خواست ساده و روشن صف اعتراض را محدود و متفرق میکند. هدف ما کمک به سازمان دادن وسیعترین اعتراضات توده ای در خارج کشور علیه این جنگ افروزی دولت آمریکا است.

پ - سیاست ما در خارج کشور باید بر این واقعیت آگاه بود که حزب ما فاقد امکان سازماندهی جامعه اروپائی علیه این جنگ است. ما قطعاً میوتونیم در این زمینه نقش بازی

هدف که در صورت جنگ بتوان نیروی دستگاه سرکوب رژیم را فلج کرد و آن را علیه رژیم بکار انداخت. با شروع جنگ شعار ما در آوردن قدرت از دست جمهوری اسلامی است. تفنگ ها باید علیه جمهوری اسلامی، علیه همه نیروهای سانریو سیاه و کسلنی به آن، مردم، آزادی آنها، نهاد های توده ای و انقلابی را مورد تعرض قرار میدهند برگردد.

۵ - ایجاد آمادگی برای دفاع در قبال اشغال هر منطقه توسط آمریکا، نیروهای ایستاده به آن و یا جریاناتی که میخواهند خود را به مردم تحمیل کنند.

۶ - بدون وجود سازمان حزب در روی زمین سفت در داخل و بدون وجود مراکز رهبری کمونیسیتی انجام این فعل و انفعال در جامع ممکن نیست. در نتیجه باید در پروسه ایجاد کمیته های کمونیسیتی در داخل کشور تعجیل کرد.

۷ - ما باید تضمین کنیم که در هر تاطلمی چه در نتیجه تحریکات سیاسی آمریکا و چه اقدام نظامی آن میوتونیم مردم کردستان در شهرهای اصلی را، همانطور که در برنامه عمل ما آمده است، قادر به دفاع از خود کنیم. ما باید در مقابل ناسیونالیست ها که از مرز سرازیر خواهند شد، از داخل شهر ها بجوشیم. کردستان یکی از نقاط بسیار مهم در قدرت کمونیسیت ها است. این قدرت را تنها ما میوتونیم تامین کنیم. باید تضمین کنیم که کردستان را به سنگر کمونیسیم و آزادی خواهی تبدیل میکنیم.

۸ - ایجاد کمیته های کمونیسیتی کارخانه، بسیج و متشکل کردن کارگران علیه بیکاری، فلاکت و به میدان کشیدن کارگران مراکز کلیدی (تفت و غیره) به عنوان یک اهرم تعیین کننده در تعیین تکلیف اوضاع

۹ - با هر درجه میلیتاریزه شدن فضا، بی گمان رژیم برای نجات خود از دست مردم به ارتعاب و تعرض وسیع تر به آزادی های سیاسی، دستگیری و حتی اعدام و سر به نیست کردن رهبران کارگری، کمونیسیتی و فعالین سیاسی خواهد زد. ما باید در این دوره خطیر مانع از دسترسی رژیم به این فعالین و رهبران شویم. باید نسبت به مسئله امنیت این فعالین و رهبران، هم حزب و هم خود شبکه های کارگری و کمونیسیتی را در یک آماده باش کامل نگاه داریم. امروز، روز تن دادن ساده به زندان جمهوری اسلامی نیست. هوشیاری دائم، غیر قابل دسترس بودن این فعالین و رهبران برای جمهوری اسلامی و قابلیت ما در دادن حفاظت موقت یا طولانی به آنها شرط اساسی خروج سالم آنها از این اوضاع است.

سیاست عملی ما در قبال تظاهرات های ضد جنگ در خارج کشور قبلاً در نشریه کمونیسیت منتشر شده است. که رؤس آن را اینجا مجدداً درج میکنیم:

برای مقابله با خطر حمله آمریکا به ایران باید توده هر چه وسیعتری از انسان های شرافتمند و آزادیخواه را در خارج کشور حول خواست ساده نه به جنگ افروزی آمریکا گرد آورد. اضافه کردن هر تبصره ای به این خواست ساده و روشن صف اعتراض را محدود و متفرق میکند. هدف ما کمک به سازمان دادن وسیعترین اعتراضات توده ای در خارج کشور علیه این جنگ افروزی دولت آمریکا است.

پ - سیاست ما در خارج کشور باید بر این واقعیت آگاه بود که حزب ما فاقد امکان سازماندهی جامعه اروپائی علیه این جنگ است. ما قطعاً میوتونیم در این زمینه نقش بازی

اطلاعیه پایانی پلنوم هیجدهم کمیته مرکزی حزب کمونیسیت کارگری عراق

روزهای ۲-۴ آوریل ۲۰۰۶ حزب کمونیسیت کارگری عراق هیجدهمین پلنوم خود را با شرکت اکثریت اعضای کمیته مرکزی و هیئتی از حزب کمونیسیت کارگری - حکمتیست متشکل از رحمان حسین زاده معاون لیدر حزب، محمد راستی و محمد جعفری از مشاورین کمیته مرکزی برگزار نمود. پلنوم با سرود انترناسیونال و اعلام یکدقیقه سکوت به یاد جانبگتان راه آزادی و سوسیالیسم شروع شد.

بعد از ارائه گزارش و بررسی فعالیتهای حزب بین پلنومهای ۱۸-۱۷، پلنوم شرایط و اوضاع سیاسی- اجتماعی جامعه عراق را و نقش و جایگاه حزب کمونیسیت کارگری عراق را در دستور و مورد بررسی قرار داد. در این بحث تأکید شد، جامعه عراق عملاً وارد جنگ داخلی خطرناکی شده است و این جنگ که در حال حاضر در لوای جنگ فرقه ای و قومی به پیش برده میشود، در ادامه همان روند و سیاستی است که با آغاز جنگ و حمله به عراق و اشغال آن توسط نیروهای آمریکایی شروع شده و در ادامه همین سیاستها و عملکرد احزاب و جریانات قومی و اسلامی، عمیق تر و بعد وسیعتری به خود گرفته است. پلنوم بر این نکته تأکید کرد که عدم امنیت و آسایش از اساسی ترین مشکلات جامعه عراق است و در ایندوره تلاش برای بازگرداندن امنیت به جامعه عراق به عنوان میرمترین اولویت حزب تأکید گردید. در این راستا، پلنوم بر جایگاه و اهمیت کنگره آزادی عراق به عنوان ابزار مقابله با این وضعیت در عراق تأکید گذاشت و تقویت همه جانبه آن را در دستور حزب گذاشت. پلنوم حمایت و پشتیبانی قاطع خود را از تصمیم مهم کنگره آزادی عراق، مبنی بر سازماندهی نیروی مسلح توده ای " بمنظور بازگرداندن امنیت و آسایش و دفاع از مدنیت جامعه عراق اعلام و تأکید جدی کرد. بررسی اوضاع سیاسی- اجتماعی جامعه کردستان عراق و مسئله استقلال کردستان و سر برآوردن اعتراضات رادیکال دوره اخیر از مباحث دیگر پلنوم بود. این نشست وظایف و نقشی را که حزب در این شرایط میتواند در رابطه با " جدایی کردستان و هدایت جنبش اعتراضی توده ای " ایفاء یکنند، مورد بحث قرار داد. پلنوم دفتر سیاسی را موظف نمود که بر اساس آن مباحث نقشه عمل مشخص فعالیت دوره آتی حزب در کردستان را تدوین نماید.

در بحث آرایش رهبری حزب، پلنوم تصمیم گرفت که آرایش جدیدی را برای دخالتگری جمعی تر و بموقع اعضای کمیته مرکزی و بکار گرفتن هر چه بیشتر توان و امکان کمیته مرکزی و تأمین رهبری مستمرکز در عراق، که حزب بتواند تمامی عرصه های فعالیت در دستور را بپوشاند و بموقع جوابگوی اوضاع تازه سیاسی باشد را، تأکید و تصویب نمود. لازم به یاد آوریست که " طرح آرایش رهبری حزب " و ضرورت تغییر آن در پلنوم ۱۷ از طرف " ریبوار احمد " مطرح گردیده بود و مبنای سیاسی و ضرورت عملی آرایش جدیدی را مورد بررسی قرار داده بود. در این پلنوم طرح پیشنهادی تصویب و به اجرا گذاشته شد. بر اساس این طرح در فاصله ۲ پلنوم دفتر سیاسی همچون ارگان و نهاد سیاست گذار و اجرائی حزب، تحت مسئولیت رئیس دفتر سیاسی عمل میکند و رئیس دفتر سیاسی سخنگوی رسمی حزب خواهد بود. " و " وظیفه دبیر کمیته مرکزی نمایندگی کردن پلنوم و کمیته مرکزی و فراخواندن پلنوم و نظارت بر فعالیتهای دفتر سیاسی است. بخش پایانی پلنوم به مسئله انتخابات اختصاص داده شده بود، ابتدا پلنوم برای تقویت عرصه مالی حزب ۷ نفر از کادرها مصطفی باهر، کامل احمد، جلال محمد، سوزان مجید، شیرزاد احمد، آرام علی و عادل احمد را که از فعالین عرصه تأمین مالی حزب میباشد، بعنوان مشاورین کمیته مرکزی انتخاب نمود.

پلنوم به اتفاق آرا ریبوار احمد را بعنوان دبیر کمیته مرکزی و سپس ۲۱ نفر را برای دفتر سیاسی انتخاب کرد که عبارتند از: رفقا ۱- امجد غفور ۲ پینار محمد ۳- نادیا محمود ۴- شمال علی ۵- مؤید احمد ۶- سامان کریم ۷- آسو کمال ۸- زمانکو عزیز ۹ خسرو سایه ۱۰- فارس محمود ۱۱- فالج مکتوف ۱۲- قاسم هادی ۱۳- عبدالکریم عبدالساده ۱۴- سمیر عادل ۱۵- رحمان حسین زاده ۱۶- فاتح شیخ ۱۷- فالج علوان ۱۸- سامی حسن ۱۹- رعد سلیم ۲۰- آزاد احمد ۲۱- ریاض کاکه شین. در این پلنوم نخستین بار پلنوم امجد غفور را بعنوان رئیس دفتر سیاسی و امجد غفور، مؤید احمد، سمیر عادل، ریاض کاکه شین، زمانکو عزیز، فلاح علوان، آزاد احمد و سامی حسن را برای هیئت اجرائی دفتر سیاسی انتخاب نمود.

کمیته مرکزی حزب کمونیسیت کارگری عراق ۲۰۰۶ آوریل

از صحنه ۱
جامعه بگیرند جنگی که سایه شوم آن افق زندگی مردم را در ایران و منطقه و جهان به تیرگی و ناپودی تهدید میکند، دقیقاً در جهت خلاف این برنامه عمل و این خواسته است. مخالفت قاطع و روشن بینانه دانشجویان با خطر جنگ و با سیاستهای هر دو طرف ایجادکننده آن یعنی هم جنگ افروزی آمریکا و هم تلاش جمهوری اسلامی برای بهره برداری از آن نمونه ای از یک برخورد فعال در قبال بحران و خطر جنگ است که باید در سطح جامعه هر چه بیشتر گسترش داده شود. مردم تشنه آزادی در ایران، باید با مخالفت بی چون و چرا علیه هر دو طرف این بحران، برنامه خود را که سرنگونی جمهوری اسلامی است با تمام نیروی اتحادشان به پیش ببرند و به پیروزی برسانند.

و به پیروزی برسانند.

فاتح شیخ

پیروزی کارگران فرانسه بر دولت
شیراک را جشن میگیریم!

جشن میگیریم. تحرک اخیر طبقه کارگر در فرانسه و شرکت فعال و پرشور و میلیتانت نیروی نسل جوان (دانشجویان) در این تحرک، در سهای بزرگی برای مبارزه طبقه ما در شرایط کنونی جهان در بر دارد.

امید قاطع به کسب پیروزی در برابر تعرض بورژوازی با اتکاء به اتحاد و میلیتانتی صوف کارگران و بویژه نسل جوان آن، بدون شک در صدر این درسهاست.

پیشروان طبقه کارگر همیشه در تلاش بوده اند که صف طبقاتی کارگران را پس از هر نبردی آگاهتر و متشکل تر و متحدتر کنند. کارگران فرانسه امروز، پس از پیروزی بر شیراک و دوویلین، در برابر این وظیفه طبقاتی خود قرار گرفته اند. زنده باد کارگران فرانسه! پیش سوی پیروزهای بزرگتر!

سرانجام ژاک شیراک ناچار شد قانون "اولین قرارداد استخدام" (cpe) را کلا پس بگیرد و شکست خود و نخست وزیرش دوویلین در مصاف با صف متحد کارگران و دانشجویان را بپذیرد.

ما پیروزی کارگران فرانسه در عقب راندن تعرض بورژوازی را پیروزی خود، پیروزی طبقه کارگر جهانی میدانیم و آن را



اعظم کم گویان

گارد آزادی
راهی برای
نجات

اعلام موجودیت، فعالیت و عملیات قدرتمند اخیر گارد آزادی، توجه دوستان و دشمنان آزادی و نجات مردم را به خود جلب کرده است. در مورد حکمت ایجاد گارد آزادی بحث، سوال، نظر و ابهامات طرح می شوند آیا ضرورت گارد آزادی مربوط به قبل یا بعد از سقوط جمهوری اسلامی است؟ چرا باید از هم اکنون با پتانسیل نظامی ظاهر شد؟ و...

هدف از گارد آزادی تنها بحث پتانسیل ابراز وجود نظامی در مقابل جمهوری اسلامی نیست. بحث ممانعت از جنگ دیگری است که در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و یا بعد از آن از جانب باز ماندگان جمهوری اسلامی و دارودسته های قومی و گانگسترهای سیاسی میتواند به مردم و به جامعه تحمیل شود. دو مسئله مطرح است: اول سرنگونی جمهوری اسلامی است. سرنگونی رژیم اسلامی یک آرزو و خواست جدی توده های مردم ایران است و ما تمام تلاش مان را در این راه بکار میگیریم. دوم اینکه بعد از سرنگونی و در پروسه سرنگونی تضمین کنیم که جامعه عراقییزه نمیشود، مدنیت جامعه بجای خود باقی خواهد ماند و مردم امکان انتخاب آزاد و آگاه نظام حکومتی و اعمال اراده خود را خواهند داشت.

اگر جمهوری اسلامی را سرنگون نکنیم، احتمال اینکه اوضاع از آنچه هست بدتر شود، به مراتب بیشتر است. امروز خطر عراقییزه شدن جامعه ایران حول

"بحران هسته ای" جدی تر شده است، فردا فلاکت اقتصادی دامن مردم را در ابعاد وسیع می گیرد. گارد آزادی این وظیفه حیاتی را دارد که چه در تهران و اصفهان و شیراز و سمنان و چه در مشهد تضمین کند که در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و بعد از آن امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم بدست دارو دسته های قومی، اسلامی، یا گانگسترهای سیاسی گروگان گرفته نمیشود، بنیاد های زندگی مدنی در جامعه از هم پاشیده نمیشوند و صحنه هایی را که در عراق کنونی میبینیم در ابعاد به مراتب وحشتناکتر تکرار نمیشوند. گارد آزادی باید پایه و عناصر قدرت لازم برای جلوگیری از این سناریو محتمل و خطرناک را فراهم کند. گارد آزادی راهی برای نجات از این وضعیت سیاه و بلبشوی محتمل که دامنگیر جامعه خواهد شد، می باشد.

نتیجتاً از این لحاظ گارد آزادی، چه در کردستان و چه در خارج کردستان، جزء اساسی رو در روی با خطر سناریو سیاه و یک سیاست انتگره با سیاست کنترل محل کار و زیست مردم است. در این متن مهم این است که مردم از طریق اتحاد حول واحدهای گارد آزادی هر گونه امکان و فرجه ای را از دستجات تروریستی اسلامی و باندهای فاشیست قومی برای تحرکات و تحریکات و بسیج نیروهای سیاه بگیرند. این سازماندهی دفاع از مدنیت جامعه ممکن است که در مراحل بعدی توسعه شبکه های خود، به عنوان یک نیروی بازدارنده مسلح هم بشوند. در این رابطه حزب حکمتیست و فرماندهی گارد آزادی آماده هر گونه کمک و ارائه رهنمود است.

وقتی از کنترل محلات صحبت میکنیم منظور این است که مردم بخصوص جوانان اراده خود را بر مقدرات زندگی خود در محله اعمال می کنند. منظورمان این است که این ارزشهای فکری و سیاسی آنهاست که بر فضای محلات تاثیر دارد. این کار هوشیاری مردم را بالا

می برد و از فعالیت دار و دسته های اسلامی، قومی و گانگسترهای سیاسی و انواع سازماندهندگان گروههای تروریستی انتحاری برای ارباب و در نتیجه تحمیل خود بر مردم جلوگیری می کند. گارد آزادی مانع مهمی در جلوگیری از تسلط فضای یاس و استیصال و عامل و نیروی مؤثری در مقابل ارباب و زور گویی و تعدی به امنیت مردم است.

در نتیجه گارد آزادی و واحد های آن باید از هم اکنون ایجاد شوند، قدرتمند شوند، گسترش یابند و مهمتر از همه اینکه باید به اهمیت جایگاه خود واقف باشند. نمونه ای که میلیتاریسم و دخالتگری آمریکا در عراق تولید کرده است، به اندازه کافی تعجیل در امر راه اندازی و تشکیل گارد آزادی را در سراسر ایران، توضیح میدهد.

گارد آزادی نیروی جدیدی است با الگوها و استانداردهای انسانی و آزادیخواهانه و منطبق با منطق زندگی و کار مردم و بویژه طبقه کارگر و مردم زحمتکش. این راه حل ما کمونیستها و راه حفظ اتحاد و شیرازه مدنیت جامعه در دنیایی است که منادیان دکترین نظم نوین و سیاست ضربه پیشگیرانه با آن کلوس ترور و وحشت و قتل عام شهروندان را به بخشی از اخبار و سیر زندگی روزمره تبدیل کرده اند. ما میخواهیم با گسترش گارد آزادی اعلام کنیم که مرعوب ترور نخواهیم شد و نخواهند توانست ما را به زندگی در دنیای جنایت و آدمکشی دستجات پاکسازیهایی قومی و اسلامی و مهره های نظم نوین و "ضربه پیشگیرانه" دولت آمریکا عادت دهند. با بالا رفتن تب و تاب اعتراض عمومی و شدت گرفتن بحران مناسبات جمهوری اسلامی و غرب و آمریکا، واحدهای گارد آزادی، باید از درون شهرها و از درون مردم بجوشند و امنیت مردم و جامعه را تضمین کند.

به گارد آزادی بپیوندید!

تماس با حزب

کوروش مدرسی

لیدر حزب

koorosh.modarresi@gmail.com

تلفن

+44(0)7748 630833

رحمان حسین زاده

معاون لیدر حزب

husienzade_r@yahoo.com

تلفن

+46 73 98 55 837

فاتح شیخ

رئیس دفتر سیاسی

fateh_sh@yahoo.com

+46-704 717 512

عبدالله دارابی

فرمانده سراسری گارد آزادی

darabi.a@mail.com

تلفن 0046704752163

حسین مرادبیگی

دبیر کمیته کردستان

h_moradbeigi@yahoo.com

تلفن +44791 6213634

+46762737560

نسان نودینیان

دبیر تشکیلات خارج کشور

Nasan_nodinian@yahoo.de

تلفن +44(0) 781 590 22 37

بهرام مدرسی

دبیر کمیته داخل

bahramsik@yahoo.com

تلفن +49 174 944 02 01

تولوزیون پرتو

mostaf.asadpoor@gamil.com

تلفن +46 (0) 70 7399868

نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!